

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

به سلسله نشر مقالات سابق

(مقاله چاردهم)

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین ، ۱۷ اپریل ۲۰۰۸

نظام و نصاب تعلیمی در افغانستان

باید از سر نوشته شود!!!!

وقتی مقاله "دکتاتوری فرهنگی ایران بر قلمرو زبان فارسی" (۱) را بتاريخ ۲۲ اگست ۲۰۰۶ نوشته و در صفحات انترنیتی - و بدرجه اول در پورتال "افغان جرمن آنالین" - منتشر ساختم ، بخوبی میدانستم :
- که نظام معارف موجود در افغانستان بکلی فرسوده و ویران است.
- که نظام تعلیمی وطن با گذشت سه دهه لیل و نهار سخت آسیب دیده است.
- که نصاب درسی ما از آنچه باید "نصاب درسی" خوانده شود، فرسنگها فاصله دارد.
- که افغانستان به یک نظام جدید و مدرن و عصری تعلیم و تربیه نیاز مبرم دارد.
- که تعلیم و تربیه در افغانستان باید عصری و با مقتضیات عصر و جهان امروزی هم آهنگ گردد.
- که آنچه نصاب درسی و تعلیمی خوانده میشود، مربوط به قرون گذشته است و به درد افغانستان عصر جدید نمیخورد.

البته اگر افغانستانی را میخواهیم که در زمره ممالک آزاد و آباد جهان، قد برافرازد و از هیچ کشور جهان و لا اقل از هیچ کشور منطقه ، عقب نماند!!!!!!

علاوه بر آن میدانستم که اوضاع رقتبار سه دهه ویرانگر همه چیز را ویران و واژگون ساخته و از قالب اصلی و خاص افغانی آن تهی گردانیده است. و میدانستم :
- که تعلیم و تربیه کشور ما نه در مسیر علم و دانش عصر، بلکه در بیابان ایدئولوژی ها سرگردان بوده است.

- که تعلیم و تربیه افغانستان آزمونگاه و آزمایشگاه و عرصه جولان افکار و امیال آزمندان منطقه بوده است.
- که سه دهه نابسامان از همه بیشتر شعور فرهنگی و سطح تعلیم و تربیه مردم ما را ضربه زده است و این ضربه ایست مدھش تر و مهلک تر از همه ضربات دیگری که بر پیکر ناتوان این ملت فرود آمده است.
- که در این سه دهه هویت زبانی ما مورد تاخت و تاز اجانب قرار گرفت و سخت آسیب دید.
- که ارزش های فرهنگی ما سخت مورد تهاجم همسایگان قرار گرفت.

- که دو زبان بزرگ ، رسمی و ملی ما - پشتو و دری - زیر ضربات مهلک همسایگان شرق و غرب قرار فتند و از جمله ضربه ای را که "دری افغانستان" از "فارسی ایران" متحمل گردیده، سخت تشویش آور و نیازمند تدای و علاج جذری و اساسیست.

- که اگر زود در تلافی مافات و ضایعات برنیاویم، هویت "زبان دری" ما از دست میرود و این آسیبی نیست که نسلهای آینده توان جبران را داشته باشند و این گناه عظیم را بر ما ببخشایند.

جهان امروز، جهان تازنده و شتابنده است و تازندگی و شتابندگی آن از علوم عصری و دانش مُعاصر سرچشمه میگیرند. امروز جهان، جهان ساینس و تکنالوژی جدید گردیده و همین دو رشته حیاتیست که سیر جولان جامعه را رقم میزنند. جامعه ما در درجه اول به فزیک و کیمیا و بیالوژی و ریاضی و انفورماتیک و دانش کمپیوتری یا "کمپیوتر ساینس" نیاز دارد و بعد به رشته های علوم بشری. علوم عصری و صنعت و تکنالوژی جدید است که شکل جهان و شکل زندگانی و شؤون جامعه بشری را رقم میزنند و همه چیز آن را به جلو میرانند. برای نیل بدین مأمول به کلید علوم نیاز داریم و آن چیزی دیگر نیست، غیر از آموختن زبانهای زنده و تگاور جهان از قبیل انگلیسی و فرانسوی و آلمانی و دیگر زبانهای تازنده و پیشتاز جهان؛ که گفته اند "زبان کلید علم است" (۲). تمام دانش و "نو هو" Know How عصری در همین زبانها عرضه میگردند، و خصوصاً در زبان انگلیسی که درین عرصه پیشقراول و سلسله جنبان است.

مضامینی از قبیل تاریخ و جغرافیا و ادبیات و دینیات و غیره را به قدر تشنگی باید چشید. این ها در صدر مصطفی علوم قرار ندارند و در پیشبرد جامعه به جلو، یا هیچ رول ندارند و یا که رولی بس اندک و جانبی دارند. همانگونه که رول زبان های زنده عالم در عرصه زندگانی عصری خیلی بزرگ و مهم است، باید در صدد مدرن و هم آهنگ ساختن زبانهای عمده افغانستان - و بدرجه اول پشتو و دری - نیز برخاست و هر دو را به مقتضای دانش و تکنالوژی جدید آراست. این کار جز از طریق غنی ساختن این زبانها با کلمات و اصطلاحات جدید و عصری ناممکن است. بدین منظور باید کلمات و اصطلاحات جدید مطابق به ارزشهای فرهنگی و ملی خود ما وضع گردیده و وارد هر دو زبان ساخته شوند. به تأکید میگویم که این کار باید در چوکات ارزش های ملی و فرهنگی خود ما صورت بگیرد، نه اینکه بالمره - به تأکید میگویم "بالمره" - اصطلاحات موضوعه ممالک همسایه را کاپی و و اقتباس کنیم.

ما باید از هر نگاه مستقل گردیم. همانگونه که استقلال سیاسی افغانستان مهم است و افغانستان باید هرچه زود تر از چنگ اجانب آزاد ساخته شود، نیاز ما به استقلال اقتصادی و استقلال فرهنگی نیز مبرم است. استقلال فرهنگی بدرجه اول از طریق استقلال زبانی میسر است. ما نباید دستنگر بیگانه باشیم و منتظر بمانیم که ایران و توران برای ما کلمات و اصطلاحات جدید بسازند و بخورد ما بدهند. ما باید حتماً از حالت وارداتی محض بدر آئیم و متکی به خود و به اصطلاح مدرن "خود کفا" گردیم.

اگر پیوند و همبستگی زبانی بین ممالک همجوار مطرح است - که باید هم مطرح باشد - باید دو طرفه و فعال باشد. بلی؛ داد و گرفت از ممالک همزبان باید "دو جانبه" و "چند جانبه" باشد و نه اینطور باشد، که دیگران تولید و صادر بکنند و ما تنها وارد و مصرف بکنیم. همان گونه که در ساحه اقتصادی و تکنیکی به جرنگانه و غرگرانک و پوقانه و ساجق پاکستان نیاز نداریم، در ساحه زبانی نیز نیازمند اصطلاحات نیم خام و خامجوش "فرهنگستان زبان ایران" نیستیم. ما نباید یک مملکت استهلاکی محض باشیم. همان قسمی که نیازمند استقلال سیاسی و اقتصادی و زراعتی و صنعتی و ... میباشیم، در ساحه فرهنگی و زبانی نیز باید متکی به خود گردیم. **طلسم از خود بیگانگی و اتکاء بغیر را باید یکبار و برای همیشه شکست!!!!**

افغانستان امروز در ساحه تعلیم و تربیه به یک انقلاب ضرورت دارد و تمام نظام و نصاب تعلیم و تربیه اش باید از سر تدوین گردد. وقت آموزش علوم عصری نباید در سایه تدریس مضامین کلاسیک از قبیل تاریخ و جغرافیه و دینیات و شعر و ادب، ضایع و تلف گردد. ما این انقلاب را باید مطابق به نیازهای عصر جدید و مطابق به شرایط و ارزش های ملی و تاریخی خود، براه اندازیم و راه صد ساله را یکشنبه بپیمائیم؛ اگر مایل استیم که پسمانی قرون و اعصار را بزدائیم و با کاروان دنیای تازنده و پیشرو همقدم و همگام گردیم؛ و راهی دیگر غیر از همگامی و همقدمی هم نداریم!!!! چون آنکه در این عرصه یک گام عقب ماند، یک عصر و یک دوره عقب می ماند. جهان تازنده است و بیدریغ و شتابنده بسوی آینده روان است. پسمانی از این کاروان، حکم محکومیت و وابستگی و دستنگری دائم و پایدار را دارد.

افغانان باید خود را یک تکان تاریخی بدهند و خانه تکانی عظیمی را براه اندازند و گرد قرون خُمود و اعصار جُمود را از خانه و کاشانه خود برویند. افغانان باید خانه خود را از نو بسازند و با فرش و ظرف جدید و کارآمد مزین بگردانند. دیگ و کاسه و گلیم و بوربای کهنه را دور بیندازند و همه را مطابق به ذوق و نیاز زمان، از نو تدارک نمایند.

اگر ما از جهان تقلید و اقتباس میکنیم، باید سرمشق ما جهان پیشرو و پیشتاز باشد، نه اینکه آخوندان قرون وسطائی و رژیم واپسنگر و واپسگرای ایران. دست دراز آخوندان را از معارف و تعلیم و تربیه اولاد این کشور باید کوتاه ساخت و نباید گذاشت، که رژیمهای آزمند همسایه به بهانه همکاری در اعمار مجدد افغانستان، سرنوشت آینده ما را به رنگ و سلیقه و پلانهای دیررس آینده خود، رقم بزنند.

افغانان به طرز تفکر معاصر ضرورت دارند و باید فکر و اندیشه خود را با سمند جهان امروزی همگام بسازند. ما به یک جهش بزرگ و یک تکان بی امان ضرورت داریم. باید بخود آئیم و موقف خود و آینده خود را در منطقه و جهان درک کرده و سرنوشت خود و آیندگان این وطن را مطابق به آن رقم زنیم. ما واقعاً به یک انقلاب در ساحه نظر و عمل نیاز داریم و تا بدان دست نزنیم، مرکب در گل گور رفته افغانستان را از خواب قرون وسطائی بدر آورده نمیتوانیم.

باید بخود آئیم و خود سرنوشت خود و وطن خود را رقم زنیم؛

اینست نیاز زمان و مقتضای افغانستان عزیز!!!!!!

توضیحات :

- ۱ - این مقاله تحت شماره ۱۸۸ آرشیف مقالات بنده در صفحه "تحلیلات" پورتال "افغان جرمن آنلاین" قابل دریافت و مطالعه است.
- ۲ - خواننده ارجمند را به مطالعه مقاله "زبان کلی علم اس" که بخش چارم سلسله "سرگردانی قلم و خاطرات نوستالژیک" است ، زیر شماره ۲۰۸ آرشیف بنده در صفحه "تحلیلات" پورتال "افغان جرمن آنلاین" دعوت مینمایم. این سلسله ادامه دارد.